روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۷ آذر ۱۴۰۵ • ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • ۲۸ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۳۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۵۴



پیکر رضا امیرخانی، نویسنده، ظهر دیروز با حضور جمعی از نویسندگان، شاعران و علاقه‌مندان این هنرمند در قطعه ۵۱ بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد.
عکس: علیرضا معصومی، ایسنا

www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1

قانون برای مردم یا مردم برای قانون؟

جلیل حاجی‌حسینی
وکیل

قانون در هر جامعه‌ای قرار است پناهگاه شهروند در برابر قدرت، تبعیض، بی‌عدالتی و تضییع حقوق باشد. اما پرسش اساسی این است که آیا شهروندان در زندگی روزمره خود، قانون را به‌عنوان ابزار حمایت تجربه می‌کنند یا تنها زمانی با آن مواجه می‌شوند که درگیر یک پرونده، اختلاف، جریمه، خسارت یا بحران شده‌اند؟ حقوق شهروندی صرفا مجموعه‌ای از اصول مندرج در قوانین و اسناد رسمی نیست؛ بلکه زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد بتواند در زندگی واقعی، از حقوق خود آگاه باشد، آن را مطالبه کند و در برابر نقض آن، راهی مؤثر برای احقاق حق داشته باشد. فاصله میان حقِ نوشته‌شده و حقِ قابل دسترس، یکی از چالش‌های مهم جوامع امروز است. بسیاری از مردم در مواجهه با مسائل روزمره، از خرید کالا و خدمات تا اجاره و خرید ملک، انعقاد قرارداد، فعالیت اقتصادی، مراجعه به نهادهای اداری یا مواجهه با اختلافات حقوقی، نمی‌دانند چه حقی دارند و در صورت تضییع آن، چه مسیری باید طی کنند. گاهی نیز آگاهی از حق، زمانی حاصل می‌شود که فرصت اقدام مؤثر از دست رفته است. این وضعیت را نمی‌توان صرفا به کم‌توجهی افراد به قانون نسبت داد. پیچیدگی مقررات، تعدد مراجع تصمیم‌گیری، دشواری فهم برخی متون حقوقی و هزینه‌های پیگیری حق، می‌تواند شهروند را در موقعیتی قرار دهد که ترجیح دهد از مطالبه حق صرف‌نظر کند. در چنین شرایطی، حق اگرچه در ظاهر وجود دارد، اما در عمل ممکن است برای صاحب آن دسترس‌پذیر نباشد. در حوزه معاملات و روابط اقتصادی، این فاصله گاه پیامدهای سنگینی دارد. امضای قراردادی که مفاد آن به‌درستی درک نشده، اعتماد به وعده‌های شفاهی در یک معامله، ناآگاهی از آثار حقوقی یک تعهد یا بی‌توجهی به اسناد و مدارک، ممکن است زمینه‌ساز اختلافاتی شود که حل آنها ماه‌ها یا سال‌ها زمان ببرد. در مسائل ملکی نیز گاهی یک تصمیم شتاب‌زده یا بررسی‌نکردن وضعیت حقوقی ملک، سرمایه و آرامش یک خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، نباید قانون را تنها مجموعه‌ای از ممنوعیت‌ها، مجازات‌ها و الزاماتی دانست که شهروند باید از آنها تبعیت کند. قانون زمانی می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کند که علاوه بر تعیین تکلیف و مسئولیت، امکان حمایت، اعتراض، دفاع و برخورداری از رویه منصفانه را نیز فراهم آورد. جامعه‌ای که در آن شهروند تنها تکلیف خود را بشناسد، اما نسبت به حقوقش آگاهی یا دسترسی کافی نداشته باشد، در رسیدن به تعادل میان مسئولیت و حق با دشواری مواجه خواهد شد. آگاهی حقوقی نیز نباید به آموزش اصطلاحات پیچیده و مواد قانونی محدود شود. آنچه اهمیت دارد، تبدیل دانش حقوقی به مهارتی کاربردی در زندگی است؛ مهارتی که به فرد کمک کند پیش از امضای یک قرارداد، ورود به یک معامله، پذیرش یک تعهد یا مواجهه با یک تصمیم اداری، پیامدهای انتخاب خود را بسنجد و در صورت بروز مشکل، مسیر درست را بشناسد. در این میان، مسئولیت رسانه‌ها، نهادهای آموزشی، دستگاه‌های اجرایی و جامعه حقوقی قابل چشم‌پوشی نیست. اطلاع‌رسانی حقوقی باید از فضای تخصصی محدود خارج شود و به زبانی روشن، قابل فهم و متناسب با نیازهای واقعی مردم در دسترس قرار گیرد. پیشگیری از اختلاف، کاهش آسیب‌های اقتصادی و افزایش اعتماد به سازوکارهای قانونی، بدون ارتقای آگاهی حقوقی عمومی دشوار خواهد بود. شاید مسئله امروز این نباشد که مردم باید بیشتر با قانون سازگار شوند؛ بلکه باید پرسید قانون و سازوکارهای اجرای آن تا چه اندازه با واقعیت زندگی مردم سازگار و در دسترس آنان است؟ قانون برای مردم وضع می‌شود تا امنیت، نظم، عدالت و امکان زندگی شرافتمندانه را تضمین کند؛ نه آنکه فهم و دسترسی به آن به امتیازی محدود برای گروهی خاص تبدیل شود. حقوق شهروندی زمانی از یک مفهوم رسمی به واقعیتی ملموس تبدیل خواهد شد که شهروند، قانون را نه فقط هنگام مواجهه با محدودیت، بلکه در زمان مطالبه حق، دفاع از دارایی، حفظ منافع اقتصادی و تصمیم‌گیری آگاهانه در زندگی خود نیز احساس کند. قانون زمانی به هدف خود نزدیک می‌شود که مردم برای شناخت آن ناگزیر از تحمل بحران نباشند؛ بلکه پیش از بحران نیز بتوانند از آن برای حفظ حقوق و کرامت خود بهره ببرند.

گزارش‌خوانی

این فقط یک کنسرت بود، نه ولنگاری و ابتذال!

گیسو فغفوری

هفته قبل هفته تلخی بود؛ خبر شلاق‌خوردن پرستو احمدی و چهار نفر دیگر از همراهانش در اجرای کنسرت دیر گچین آن‌قدر ناباورانه بود که بسیاری را متأثر کرد و این بار اهالی موسیقی همگی به‌نوعی اعتراض خود را بیان کردند؛ از حسین علیزاده و همایون شجریان تا بسیاری دیگر. پیش از این، برای زنانی که در عرصه موسیقی فعالیت می‌کنند، محدودیت‌هایی به وجود آمده بود، اما اینکه شلاق بر پیکرشان بنشیند بی‌سابقه بود. اتفاق دیگری نیز رخ داده که آن هم بی‌سابقه است؛ واکنش به مجوز اجرای کنسرت در مشهد. رئیس‌جمهور چند روز گذشته به مشهد سفر کرده بود. علاوه بر افتتاح خط مترو و بازدید از آرامگاه فردوسی و مزار استاد شجریان، خبری آمد که کنسرت «ایرانم» علیرضا قربانی سرانجام مجوز برگزاری گرفته است. خبرگزاری مهر ساعت ۹ صبح روز پنجم آذر این خبر را به نقل از روابط‌عمومی این کنسرت منتشر کرد که در آن آمده است: «علیرضا قربانی از ۸ تا ۱۲ آذر ۱۴۰۵ در شاندیز اجرا خواهد داشت. ورزشگاه سرپوشیده المپیک شاندیز با ظرفیت شش هزار نفر در این چند شب میزبان علیرضا قربانی و گروه او خواهد بود. این گروه با همان ترکیب همیشگی، علیرضا قربانی را همراهی می‌کنند». ششم آذر دادستان عمومی و انقلاب خراسان رضوی، احتمالا به‌عنوان یکی از اعضای شورای تأمین استان، با مهر گفت‌وگو کرد و با اشاره به برگزاری کنسرت علیرضا قربانی گفت: «در حال حاضر موضوع برگزاری این کنسرت در شورای فرهنگ عمومی مطرح نشده و مجوزی نیز صادر نشده است».

حسن همتی‌فر درباره خبر برگزاری کنسرت علیرضا قربانی در شاندیز در روز یکشنبه هشتم آذر، اظهار کرد: «در صورت صدور مجوز، برنامه باید مسیر قانونی خود را طی کند». این اتفاق در حالی است که این کنسرت قرار بود دو ماه پیش در طرقبه و شاندیز برگزار شود. حتی روز ۱۱ مهر ۱۴۰۵ استاندار خراسان رضوی گفته بود: «شورای تأمین استان خراسان رضوی با برگزاری رویداد فرهنگی «ایرانم» در مشهد موافق است و مخالفتی با آن وجود ندارد».

غلامحسین مظفری نیز در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «من زمزمه‌ها درخصوص لغو این رویداد را نشنیده‌ام. مجوزهایی که دستگاه‌های متولی داده بودند، در شورای تأمین استان نیز بحث شد و روی کلیات آن همه موافق بودند. شاید بحث ساعت برگزاری این رویداد مطرح بود که ساعت مناسبی باشد تا مشکلات ترافیکی و رفت‌وآمد ایجاد نشود. در مجموع مخالفتی نبود و شورای تأمین هم موافق برگزاری این رویداد است. امیدوار هستیم این رویداد برگزار شود و مشکلی نداشته باشد».

اما به نظر می‌رسد سازوکار برگزاری کنسرت در شهرهای خراسان رضوی کاملا متفاوت بوده و از زمان انقلاب تاکنون در مشهد و شهرهای اطراف آن کنسرتی برگزار نشده است. در نیشابور کنسرت اجرا شده و حتی تور فیتیله‌ای‌ها برگزار شده است. این بار اما عصبانیت آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، شکل دیگری به خود گرفته است. آن‌طور که ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی امام‌جمعه مشهد منتشر کرده است، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی با انتقاد از انتشار مطالبی درباره محتوای دیدار خود با رئیس‌جمهور در فضای مجازی، گفت: «عده‌ای اراذل نابکار و دلالان سودجو که می‌خواهند از هر چیزی منفعتی به دست آورند و در هر زمینه‌ای دلالی کنند و حتی می‌خواهند با ناموس مردم نیز دلالی کنند، آمده‌اند و گفته‌اند من و آقای رئیس‌جمهور با هم نشستیم و درباره ولنگاری و بی‌بندوباری و اجرای یک برنامه مبتذل که حرمت امام هشتم(ع) را زیر سؤال ببرد، با یکدیگر مصالحه کرده‌ایم».

علم‌الهدی اضافه کرد: «آیا مسائل مردم و کشور و موضوعات اجتماعی و فرهنگی، این‌قدر بی‌اهمیت بوده که بنده سید اولاد حضرت زهرا(س) و در این سن‌وسال، با رئیس‌جمهور مملکت بنشینم و درباره اجرای یک برنامه مبتذل که به حرمت امام رضا(ع) بی‌احترامی کند، مصالحه و توافق کنم؟».

او ادامه داد: «این افراد بی‌حیا آمده‌اند و چنین مسئله‌ای را در فضای مجازی منتشر کرده‌اند. آیا مردم را این‌قدر بی‌هوش و بی‌حواس دیده‌اید؟ آیا مردم را جاهل و نادان فرض کرده‌اید که حقایق را تشخیص نمی‌دهند؟ برای اینکه چیزی به دست بیاورید و دلالی کنید، از ناموس مردم، فسق و فجور و عده‌ای استفاده می‌کنید؟ مگر این پول چقدر ارزش دارد که انسان برای به دست آوردن آن به چنین مسائلی متوسل شود؟ این مسئله متأسفانه در این شهر به‌اصطلاح مقدس ما نیز اتفاق می‌افتد».

حالا این نکته مطرح است آیا کنسرتی را که همراه با آثاری درباره ایران است، می‌توان به‌مثابه یک برنامه مبتذل و مسبب ولنگاری و بی‌بندوباری در نظر گرفت؟

سبزخوانی

طاعون زیست‌بوم‌های آبی

سپهر سلیمی

چند سالی است که مسئله تکثیر ماهی تیلاپیا و ورود آن به زیست‌بوم‌های آبی کشور به یکی از نگرانی‌های جدی حامیان محیط زیست تبدیل شده است. رشد و تکثیر سریع این گونه غیربومی باعث ایجاد مزیت اقتصادی برای تولید آن شده است و از این‌رو بخشی از بدنه مدیران اجرائی و تصمیم‌گیر کشور که دغدغه تأمین غذا را دارند، تصور می‌کنند تکثیر و تولید آن گزینه مناسبی برای تأمین پروتئین حیوانی سفره‌های هم‌وطنانمان است. در بخشی از درخواست انجمن ماهی‌شناسی ایران خطاب به رئیس‌جمهور، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان پدافند غیرعامل و نمایندگان مجلس، با موضوع هشدار درباره مخاطرات تکثیر این گونه آمده است: «ایران با بحران کم‌آبی، تخریب زیستگاه‌های طبیعی و کاهش تنوع زیستی روبه‌رو است. در چنین شرایطی، توسعه پرورش گونه‌های غیربومی و مهاجم تیلاپیا، به‌ویژه تیلاپیای نیل، نگرانی جدی جامعه علمی کشور را برانگیخته است. تیلاپیا به دلیل رشد و تکثیر سریع، سازگاری اکولوژیک بالا و توان رقابت با بسیاری از ماهیان بومی، در صورت ورود به منابع طبیعی می‌تواند تعادل اکوسیستم‌های آبی را برهم بزند و بقای گونه‌های ارزشمند و انحصاری آبزیان ایران را با تهدید مواجه کند.

مطالعات علمی انجام‌شده در ایران نیز مخاطرات استقرار و گسترش این گونه را تأیید کرده‌اند، اما مسئله فقط حفاظت از ماهیان بومی نیست؛ موضوع امنیت آب، سلامت عمومی و معیشت مردم است. یکی از نگرانی‌های مهم، احتمال ورود و استقرار تیلاپیا در مخازن سدها و منابع تأمین آب شرب است. افت دمای آب در فصول سرد سال می‌تواند موجب تنش و تلفات گسترده این ماهیان شود. تجزیه حجم بالای لاشه‌ها نیز ممکن است با افزایش بار آلی، کاهش اکسیژن محلول و تغییر کیفیت آب خام، بهره‌برداری از مخازن و فرایند تصفیه آب شرب را با دشواری و هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده مواجه کند. وقوع رخدادهای گسترده تلفات ماهیان در منابع آبی، نگرانی عمومی درباره سلامت آب، اختلال احتمالی در خدمات تأمین آب و نارضایتی اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، گسترش این گونه در رودخانه‌ها و تالاب‌ها می‌تواند ترکیب ذخایر ماهیان بومی و ساختار صید را تغییر دهد و به اقتصاد و معیشت جوامع بومی و صیادی آسیب جدی برساند. بنابراین، توسعه پرورش تیلاپیا صرفا یک موضوع تولیدی و اقتصادی نیست؛ بلکه باید از منظر امنیت زیستی، امنیت آب شرب، سلامت عمومی، پایداری اقتصادی و امنیت اجتماعی کشور ارزیابی شود». گویا بلایی که تولید گوشت قرمز از طریق دام‌پروری و گسترش افسارگسیخته گوسفندداری بر سر عرصه‌های طبیعی آورده، این بار قرار است توسط ماهی تیلاپیا دامن‌گیر زیست‌بوم‌های آبی کشور شود. وجود بیش از ۷۰ میلیون گوسفند و بز در کشور که چند برابر توان عرصه‌های طبیعی و مراتع کشور است، اثرات وحشتناکی بر زیست‌بوم ایران داشته است. کمتر زیست‌بوم طبیعی در کشور را می‌توان یافت که از آثار و پیامدهای زیان‌بار دام‌پروری مصون مانده باشد. از نابودی و انقراض گیاهان مراتع، انتقال عوامل بیماری‌زا از دام‌های اهلی به علف‌خواران وحشی تا بازکردن راه ورود شکارچیان و متخلفان به این عرصه‌ها، از نابودی جنگل، خورده‌شدن نهال درختان جنگلی و در نهایت فرسایش و وقوع سیل تنها بخشی از حضور دام در طبیعت ایران است. در زیست‌بوم‌های آبی، به‌ویژه پس از استقرار و گسترش گونه‌های غیربومی مهاجم، کنترل و ریشه‌کنی آنها بسیار دشوار، پرهزینه و شاید غیرممکن باشد. راه‌یابی تیلاپیا به طبیعت ایران اثراتی به‌مراتب ویرانگرتر از وجود گوسفند و بز در طبیعت خواهد داشت. باید بپذیریم طبیعت ایران بیش از این توان تولید پروتئین حیوانی را ندارد؛ برای حفاظت از محیط زیست کشور و امنیت غذایی پایدار باید در پی روش‌های جایگزین برای تولید و تأمین پروتئین بود. به‌جای تخریب محیط زیست در جهت تولید پروتئین حیوانی، باید برای جایگزینی پروتئین گیاهی در سفره‌های مردم تلاش کرد.

یادداشت

نه آقای پزشکیان، شما روبرت هابک نیستید

سحر طلوعی

در بحبوحه جنگ اوکراین و در ماه‌های ابتدایی حملات روسیه به این کشور در سال ۲۰۲۲، مصاحبه‌ای از وزیر اقتصاد وقت آلمان منتشر شد که سروصدای زیادی به پا کرد. در آن روزها که بسیاری با توییت «زمستان سخت اروپا» کری می‌خواندند، آقای روبرت هابک در واکنش به تأثیر جنگ بر بازار انرژی و کمبود گاز و برای کمک به وضعیت انرژی در کشورش اعلام کرد زمان دوش‌گرفتن را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد داد. این مصاحبه بسیار ستایش شد. نه‌تنها رسانه‌ها و شهروندان آلمانی وزیر اقتصاد را دست نینداختند، بلکه همراهی‌اش کردند و کمپین کاهش زمان دوش راه انداختند تا حق شهروندی را در مدیریت انرژی کشورشان ادا کنند و دولت و ملت در کنار هم اوضاع پیش‌آمده را پشت سر بگذارند. البته ماجرا فقط به کاهش زمان دوش ختم نشد؛ دولت آلمان به این نتیجه رسید نباید دست روی دست گذاشت و فقط از شهروندان انتظار داشت صرفه‌جویی کنند؛ متخصصان و دولتمردان آلمانی به‌سرعت پروژه استفاده از انرژی خورشیدی را در دستور کار خود قرار دادند و سعی کردند به این شکل مسئله کمبود انرژی آلمان را حل کنند تا کمتر گرفتار زمستان سخت شوند. واقعیت این است که آلمان و البته بخش درخور توجهی از اروپا فارغ از جنگ، همواره با کمبود انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و چشمشان به سوخت ارسالی از روسیه و خاورمیانه است. اما وقتی فهمیدند روسیه به بهانه جنگ و حمایت اروپا از اوکراین، گاز را گرو می‌گیرد و شیرش را می‌بندد، رفتند دنبال راه‌حل و بخش عمده وظیفه را به دوش گرفتند. این درست که از روشنایی خیابان‌ها در شب کاستند، بسیاری از استخرها را در زمستان تعطیل کردند و... اما در کنار اعمال محدودیت برای شهروندان خود، راه‌حل‌های اساسی هم ارائه دادند و به‌سرعت به مرحله اجرا درآوردند تا بار بیش از حد روی شهروندان نباشد.

حالا این اتفاق را با تلاش رئیس‌جمهور کشورمان برای مدیریت وضعیت انرژی در روزهای اخیر مقایسه کنید. خاموش‌کردن چراغ‌ها و وسایل گرمایشی در دفتر کار آقای پزشکیان نه‌تنها کمترین همراهی و همدلی در شهروندان جامعه برنمی‌انگیزد، بلکه دستمایه شوخی و جوک، هم در فضای مجازی و هم در فضای حقیقی می‌شود. وضعیت ایران و آلمان در تجربه شرایط جنگی بسیار مشابه است، اما در وضعیت انرژی نه. ایران یکی از ثروتمندترین کشورها در بخش نفت و گاز است و ذخایر عظیمی دارد. هرگز نمی‌توان ایران و آلمان را در این زمینه مقایسه کرد. به همین دلیل است که شهروندان ایرانی کمترین همدلی‌ای در زمینه خاموش‌کردن وسایل گرمایشی و برقی ندارند. آنها فراموش نمی‌کنند پیش از جنگ و شرایط خاص امروز هم با تابستان‌های بدون برق و زمستان‌های بدون گاز دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. آنها هرطور دودوتا چهارتا می‌کنند، نمی‌پذیرند به‌عنوان شهروندان کشوری که روی ذخایر نفت و گاز ایستاده، با کمبود انرژی مواجه شوند. آنها انتظار دارند به اتکای این کالای استراتژیک، طرفی از توسعه و رفاه اجتماعی ببندند و مطابق مرفه‌ترین جوامع زندگی کنند. موضوع محیط زیست، صرفه‌جویی و حفظ سرمایه نفت و گاز برای آیندگان به حتم بحث درستی است، اما در حال حاضر بحث حداقل‌های زندگی روزمره ما ایرانی‌هاست. بحث توقع همیشگی حکمران از مردمی است که همواره سفره خود را کوچک‌تر کرده‌اند، ساده‌ترین تفریحات را درز گرفته‌اند، حتی از دارو و درمان خود زده‌اند تا شاید وضعیت پیش‌آمده را پشت سر بگذارند، اما متأسفانه پشت سر نمی‌گذارند و هر روز بدتر از روز پیش. آنها هرجور حساب‌وکتاب می‌کنند، نمی‌دانند چرا باید در تابستان و زمستان دچار کمبود انرژی شوند، چرا باید ماشین کارخانه‌ها و چراغ خانه‌ها را خاموش کنند، چرا باید شبیه مردمی زندگی کنند که هیچ بهره‌ای از منابع طبیعی نبرده‌اند. آنها می‌پرسند آیا رابطه حکمران و جامعه در ایران یک‌طرفه است؟ حکمران وظیفه‌ای ندارد؟ همه بار باید روی دوش جامعه باشد و حکمران فقط مطالبه کند؟ چطور مسئولان کشوری مثل آلمان که بهره‌ای از منابع انرژی نبرده است، در کمترین زمان ممکن راه‌حلی برای مدیریت اوضاع پیش‌آمده پیدا می‌کنند، اما مسئولان ما با تجربه نزدیک به پنج دهه حکمرانی و با در دست داشتن منابع سرشار انرژی و... از پس تأمین برق و گاز برنمی‌آیند؟

فردا از امروز

چه کسی حق دارد آینده را تعریف کند؟



امیراحمد شیشه‌گر

تصویرهای آینده فقط درباره فردا نیستند؛ آنها می‌توانند امروز، منابع، اولویت‌ها و حتی صدای گروه‌های مختلف را جابه‌جا کنند. وقتی سازمانی اعلام می‌کند «آینده از آنِ هوش مصنوعی است» یا دولتی می‌گوید «راه توسعه از این فناوری می‌گذرد»، جمله فقط یک توصیف ساده نیست؛ چنین تصویرهایی می‌توانند سرمایه، قانون‌گذاری، آموزش و توجه عمومی را به یک مسیر خاص هدایت کنند. آینده هنوز نیامده، اما روایت معتبر از آینده می‌تواند همین امروز قدرت ایجاد کند. به همین دلیل، آینده‌پژوهی فقط درباره روش‌های پیش‌بینی یا سناریو نیست؛ درباره این پرسش هم هست که چه کسی امکان سخن‌گفتن درباره آینده را دارد؟ شرکت بزرگ، دولت، دانشگاه، رسانه، متخصص و شهروند عادی منابع یکسانی برای ساختن و پخش‌کردن تصویر خود از فردا ندارند. بعضی روایت‌ها بودجه، داده و رسانه در اختیار دارند و بعضی دیگر حتی وارد گفت‌وگو نمی‌شوند. سهیل عنایت‌الله در «تحلیل لایه‌ای علّی» نشان می‌دهد که برای فهم یک مسئله نباید فقط به رخدادهای سطحی نگاه کرد. زیر خبرها و آمار، ساختارهای اجتماعی، جهان‌بینی‌ها و استعاره‌هایی قرار دارند که تعیین می‌کنند چه چیزی را مسئله ببینیم و چه راه‌حلی را طبیعی تصور کنیم. همین منطق در بحث آینده نیز کاربرد دارد: آینده‌ای که «بدیهی» به نظر می‌رسد، ممکن است محصول یک جهان‌بینی خاص باشد. برای نمونه، اگر آینده حمل‌ونقل شهری فقط با معیار «سرعت بیشتر خودروها» تعریف شود، راه‌حل‌ها به بزرگراه، خودرو و فناوری هدایت می‌شوند؛ اما اگر مسئله از زاویه «دسترسی عادلانه به شهر» دیده شود، حمل‌ونقل عمومی، پیاده‌روی، دوچرخه و توزیع خدمات اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. هر دو درباره آینده هستند، ولی پرسش اولیه آنها متفاوت است و همین تفاوت، نتایج سیاسی و اقتصادی متفاوتی می‌سازد. این موضوع به معنای بی‌اعتبارشدن تخصص نیست. تصمیم پیچیده بدون دانش فنی می‌تواند خطرناک باشد. مسئله این است که تخصص باید روشن کند درباره چه چیزی داوری می‌کند و چه ارزش‌هایی خارج از حوزه تخصص قرار دارند. مهندس می‌تواند درباره ظرفیت شبکه نظر دهد؛ اما تعیین اینکه چه کسی باید اولویت دسترسی داشته باشد، فقط یک مسئله مهندسی نیست. وندل بل نیز در مبانی آینده‌پژوهی بر پیوند شناخت آینده با ارزش‌ها و کنش انسانی تأکید می‌کند. اگر آینده‌ها بر تصمیم امروز اثر می‌گذارند، مشارکت در تعریف آنها نیز بخشی از توزیع قدرت است. حذف یک گروه از گفت‌وگوی آینده می‌تواند نیازها و ریسک‌های آن گروه را از تصمیم امروز حذف کند. پس یکی از پرسش‌های ضروری در هر گزارش آینده‌نگر این است: این آینده را چه کسی ساخته، با چه فرض‌هایی و چه کسانی در ساخت آن حضور نداشته‌اند؟ گاهی مهم‌ترین چیزی که در یک سناریو باید دید، همان صدایی است که در آن شنیده نمی‌شود.

@shishehgar

خبرخوانی

ماجرای یک میلیون ماهواره در فضا چیست؟

دولت آمریکا با طرح ایلان ماسک برای استقرار حدود یک میلیون ماهواره در فضا برای پیشبرد کاربردهای مربوط به هوش مصنوعی موافقت کرد. این خبری است که اکثر رسانه‌های جهان آن را مخابره کرده‌اند. طبق گزارش خبرگزاری رویترز، کمیسیون فدرال ارتباطات آمریکا با درخواست شرکت «اسپیس‌ایکس»، متعلق به ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی، برای استقرار منظومه‌ای متشکل از یک میلیون ماهواره به منظور ایجاد مراکز داده در فضا موافقت کرد. طبق برنامه زمان‌بندی قرار است شرکت «اسپیس‌ایکس» حداکثر تا نوامبر ۲۰۳۳ روند استقرار ماهواره‌ها را آغاز کند. همچنین این شرکت موظف است تا نوامبر ۲۰۳۵، ۱۰ درصد از تعداد کل ماهواره‌ها، یعنی صد هزار ماهواره و تا نوامبر ۲۰۳۸، ۵۰ درصد آنها را مستقر کند.